عدم تنافی تعدد قرائات با حکمت خدای متعال

شاگرد: تفاوت بدوی بین قرائات مختلف خلاف حکمت است. اگر کتاب قانون ای کتاب هدایت به یک قرائت باشد هم تسهیل بر تابیعین آن کتاب است... .

استاد: نزدیک به همین اشکال را حاج آقای حسن زاده در هزار و یک کلمه و در منهاج البراعه که شرح نهج‌البلاغه را تتمیم کردند آورده‌اند. ایشان مثال‌هایی میزنند. حتی از شرح منظومه شاهد میآورند و میگویند خود گوینده که مرحوم سبزواری است، میگوید این شعر را میتوان دو جور خواند! خود گوینده است. بعد خودش دو جور را توضیح میدهد و میگوید هم دو وجه هم درست است. آقای حسن زاده مثال زیبای دیگری میزند. میگوید همه میگویند «الدنیا رأس کل الخطیئه»، ایشان میگویند همینجا میتوانید بخوانید «دینار أس کل الخطیئه»! در کلمات ایشان منافقشه میشود حال من وارد نمیشوم. ولی ایشان در همین ناحیه وارد میشوند که اصلاً چرا ما این حالت را داشته باشیم؟ آن چه که من عرض کردم این است: چون وقت گذشته اشاره میکنم تا یادتان بیاید.

من عرض کردم معنای محوری و اصلی سبعة احرف چه بود؟ این بود که چون تکوینی به‌صورت «اجری جمیع الاشیاء علی سبعه» است، در لیلة القدر نزل القرآن علی السبعه. اگر این جور باشد قرائات متعددی که در کتاب شریف میتواند بیاید ناظر است به اینکه چون تکوینی چند وجهی است، خود تکوینی وجوه مختلف دارد، کتاب قانونی هم که برای آن وجوه نفس الامریه هست، مناسب آن است. و لذا اتفاقا در اینجا اقتضائش این است که چند وجه باشد. در نشانه شناسی همیشه میگویند هر چقدر نشانه ای که دال بر مقصود است ثابت تر و معین تر باشد، کارایی‌اش بالاتر است. من قبلاً عرض کردم این در علم نشانه شناسی جزء کوچکی از کار است. اتفاقا بر عکس است؛ ما در علم نشانه شناسی به جاهایی برخورد میکنیم که حکمت اقتضاء میکند که یک نشانه چند منظوره داشته باشیم. یعنی نشانه ای باشد که برای پنج تا کار باشد. خب با آن چه کار دارید؟! وقتی پیش آمد میبینید.

ما به نشانه ای چند منظوره نیاز داریم. وقتی ذهن ما وسیع شد و در هنگامه ذهن وسیع از توحد گرائی در آمدیم آن وقت میبینیم که لازم نبوده ما خدائی به یاد خداوند متعال بدهیم، لازم نبوده نزول قرآن و نحوه بسط آن بین بشر را به او یاد بدهیم، بلکه او بلد بوده که چطور آن را بیاورد و از روز اول هم ممانعت نکند. برای شارع کاری نداشت که بگوید قرائات ممنوع است. اگر شک دارید قرائتی را نخوانید. تعدد ممنوع است. بلکه برعکس است؛ در کتب تفسیری و امثال آن همینطور به آن باد زده شده است. حکمت کلام به این است که متعدد باشد، یا واحد باشد؛ باید ببینیم که مقصود از آن کلام چیست. اگر مقصود از آن کلام مطالب متعددی است، تعدد آن هم موافق حکمت است.

بازبینی #2
ایجاد شده 23 آوریل 2024 15:07:59 توسط ... .
به روزرسانی شده 30 مه 2024 11:11:08 توسط ... .